یادداشت روز

رژیم اسرائیل و معمای امنیت پس از طوفان‌الاقصی

سه سال از طوفان‌الاقصی و نیز سه سال از سلسله جنگ‌های رژیم غاصب در منطقه می‌گذرد. طوفان‌الاقصی ضربه بسیار بزرگی به امنیت رژیم وارد کرد، به‌گونه‌ای که امام شهید آن را غیرقابل التیام خواند. رژیم دقیقاً سلسله جنگ‌هایی که در این سه سال علیه فلسطین، لبنان، سوریه، عراق، یمن و ایران به راه انداخت، با هدف بازگرداندن امنیت نسبی پیش از طوفان‌الاقصی صورت داد.

نتانیاهو در آغاز حملات به غزه تصریح کرد اسرائیل در وضعیت مرگ و حیات قرار دارد و این جنگ برای آن جنگ وجودی است. او با این عبارات وضعیت بحرانی موجودیت رژیم اسرائیل را به تصویر کشید. نسخه‌ای که رژیم برای احیای خود برگزید، توسل به جنگ‌های شدید علیه جبهه مقاومت بود. نخست‌وزیر اسرائیل تلاش زیادی کرد تا غرب را در این موضوع با خود همراه کند و در این بین دولت بایدن و سپس دولت ترامپ در آمریکا و دولت‌های آلمان، انگلیس و فرانسه با او همراه شدند و لذا دیدیم که بین دو تا سه روز پس از عملیات طوفان‌الاقصی رؤسای این دولت‌ها راهی تل‌آویو شدند و خطوط هوایی خود را برای انتقال پی‌درپی محموله‌های تسلیحات حساس به مقصد تل‌آویو فعال نمودند تا به یهودی‌های غاصب فلسطین بگویند با تمام قدرت برای بقای رژیم در کنار آنان هستند و حال آنکه فلسطینی‌های محصور در غزه و کرانه باختری از آنچنان توان تسلیحاتی و نظامی برخوردار نبودند تا برای غلبه بر آنها به گسیل این همه بمب و بمب‌افکن نیاز باشد. اسرائیل خود حدود ۴۷۰ هزار نیروی نظامی فعال و حدود یک میلیون نیروی نظامی ذخیره داشت و قدرت هوایی آن به‌گونه‌ای بود که سران رژیم غاصب آن را چهارمین قدرت هوایی جهان می‌خواندند. همه این امکانات به میدان آمدند تا بقای اسرائیل که نتانیاهو آن را در وضع بحران ارزیابی می‌کرد احیا نمایند.

الان سه سال از این ماجرا گذشته است، جبهه مقاومت از سوی رژیم اسرائیل، ارتش آمریکا، ارتش‌های انگلیس، فرانسه و آلمان و با مشارکت دست‌کم ده کشور وابسته به آمریکا در منطقه زیر ضرب شدید قرار گرفت. جمع زیادی از رهبران مقاومت به شهادت رسیدند. بسیاری از فرماندهان مقاومت در فلسطین، لبنان و ایران شهید شدند. غزه تقریباً با خاک یکسان شد. جنوب لبنان به دلیل تخریب زیاد غیرقابل سکونت گردید. کرانه باختری به زندان ساکنان آن تبدیل شد. بخش‌های بزرگی از غزه، لبنان و سوریه به اشغال نظامیان غاصب اسرائیل درآمد. بیش از ۸۰ هزار نفر در غزه، بیش از ۵ هزار نفر در لبنان، نزدیک به ۴ هزار نفر در ایران و حدود دو هزار نفر در سوریه، عراق و یمن به شهادت رسیده و چند برابر این آمار در این کشورها مجروح شدند. با این وجود هنوز رژیم اسرائیل و حامیان خارجی و منطقه‌ای آن که برشمردیم، احساس نمی‌کنند امنیت اسرائیل که با عملیات طوفان اقصی در وضعیت بحرانی قرار گرفت، احیا شده است. جبهه اسرائیلی، غربی و عربی هنوز خود را در میانه جنگی می‌بینند که درباره پیروز شدن در آن تردید جدی دارند، بلکه علائمی از یأس نسبت به پیروزی در آن بروز داده‌اند! چرا؟

اینک پس از سه سال، زمان ارزیابی موفقیت یا ناکامی این جبهه در بازگرداندن امنیت به رژیم اسرائیل است. پس حق داریم که با ترسیم وضع فعلی به داوری در این خصوص بپردازیم.

جبهه مرکب اسرائیلی، غربی و عربی، جنگ سنگین علیه جبهه مقاومت با مرکزیت ایران را راهکاری قطعاً موفق ارزیابی می‌کرد و نتانیاهو دو سال پیش در کنگره آمریکا گفت سه ماه زمان لازم است تا ورق قدرت در خاورمیانه به نفع ما برگردد.

حدود یک سال و نیم پیش، نتانیاهو دولت آمریکا را قانع کرد اگر مستقیماً وارد جنگ با ایران شود طی هفت تا ده روز جمهوری اسلامی ساقط می‌شود و همه چیز به نفع ما تغییر می‌کند. حدود نه ماه پیش به کشورهایی در منطقه قبولاند که یکی دو ماه همکاری کنید تا برای همیشه بدون هراس و تهدید در منطقه بمانید. حدود یک سال پیش، سرویس امنیتی آمریکا و رژیم اسرائیل، گروه‌های تجزیه‌طلب به‌ظاهر ایرانی را جمع کرده و به آنان گفتند طی دو ماه ایران را به چند قطعه تجزیه می‌کنیم و به شما می‌سپاریم. خب الان وضع این‌ها یعنی رژیم اسرائیل، آمریکا، دولت‌های خائن منطقه و گروهک‌های مسلح تجزیه‌طلب چگونه است؟

الان وضع رژیم اسرائیل در مصاف با مقاومت فلسطین در غزه بدین صورت است که پذیرش دولت تکنوکرات فلسطینی در غزه و آزادسازی ارسال کمک‌های انسانی را منوط به خلع سلاح مقاومت غزه کرده است. پس اولاً خلع سلاح مقاومت علی‌رغم تخریب حدود ۸۰ درصد غزه رخ نداده و مقاومت مسلح در دل حدود دو و نیم میلیون جمعیت آواره در غزه زنده است و تسلط آن بر بخش بزرگی از غزه باقی است، ثانیاً تشکیل دولت تکنوکرات در هاله‌ای از ابهام است و در صورت تشکیل آن نیز هیچ ضمانتی بر اینکه با مقاومت مسلح همکاری نکند وجود ندارد.

در لبنان علی‌رغم سه سال جنگ و وارد شدن انواع فشارها به مقاومت آن از جانب آمریکا، رژیم اسرائیل، عربستان سعودی و دولت لبنان و عوامل لبنانی دیگر آن، اینک حزب‌الله در شرایطی از اقتدار قرار دارد که آمریکا، عربستان و دولت لبنان قبول کرده‌اند که نه تنها حذف، حتی خلع سلاح حزب‌الله هم ممکن نیست و لذا بحث را از حذف مقاومت و خلع سلاح آن، به بحث انضباط سلاح حزب‌الله تغییر داده‌اند یعنی قبول کرده‌اند سلاح حزب‌الله در اختیارش بماند، ولی در به‌کارگیری پاسخگوی دولت لبنان هم باشد که همین مقدار هم به دلیل آنکه اعتمادی به این دولت نیست، مورد قبول مقاومت لبنان قرار ندارد. در ضمن رژیم اسرائیل به‌خوبی می‌داند حزب‌الله علی‌رغم زخم‌هایی که برداشته است، ساختار، نیروها، سلاح‌های تهاجمی آن، اراده شلیک آن، تعهد آن نسبت به آزادسازی مناطق اشغال‌شده در لبنان و تعهد آن به آرمان آزادی کامل سرزمین فلسطین و محو رژیم غاصب حفظ شده است.

در مورد ایران علی‌رغم چند جنگی که در این دو سال و نیم علیه آن رخ داده است، حملات سنگین آن به موقعیت‌های راهبردی رژیم غاصب و هم‌زمان با آن حملات ویرانگر به پایگاه‌های آمریکا و به موقعیت‌های حساس ده کشور منطقه‌ای همراه با آن‌ها قدرت برتر نظامی آن در مقابل این رژیم به اثبات رسیده و آماده وارد کردن ضربات شدیدتر است.

همان‌طور که مقامات اسرائیلی و آمریکایی بارها اعلام کرده‌اند، حمایت نظامی و سیاسی آمریکا اصلی‌ترین عامل بقای اسرائیل در طول سال‌های ۱۳۲۷ ش / ۱۹۴۸ م تاکنون بوده است. همین چند روز پیش ترامپ برای بار چندم گفت بدون کمک آمریکا، ایران اسرائیل را از بین برده بود. آمریکا روزی که وارد جنگ با ایران شد ۲۸ پایگاه نظامی بزرگ و فعال در اطراف ایران داشت که عمدتاً محل استقرار تفنگداران دریایی و عناصر نیروی هوایی آن بودند. علاوه‌بر آن حدود ۷۰ فروند ناو جنگی هم در آب‌های خلیج‌فارس داشت. اینک هیچ ناوی در خلیج‌فارس ندارد و ۱۶ پایگاه عظیم نظامی آن در کشورهای اطراف ایران بین ۱۰۰ درصد تا ۵۰ درصد تخلیه شده و به دوردست‌های ایران منتقل گردیده‌اند. ضمن آنکه به امکانات نظامی آن در این پایگاه‌ها بین ۵۰ تا ۸۰ درصد آسیب وارد شده است. در واقع در این صحنه، رژیم جعلی اسرائیل مهم‌ترین تکیه‌گاه خارجی خود را با خود به نابودی کشانده است.

وضع دولت‌های منطقه‌ای حامی اسرائیل شامل عربستان سعودی، امارات، کویت و بحرین و در مراتب بعدی دولت قطر و دولت اقلیم کردستان عراق از این هم وخیم‌تر است . عربستان سعودی با یمن درگیر جنگی است که برای خلاص شدن از آن ترکیه و پاکستان را به کمک طلبیده و در جلوی چشم همه این‌ها، یمنی‌ها با حمله‌ای برق‌آسا بر آبراه دریای سرخ و تنگه باب‌المندب و سواحل العدیده و تعز مسلط گردیده‌اند و از ائتلاف نظامی عربستان کاری بر نیامده است. امارات به‌شدت زیر ضرب نیروی دریایی سپاه قرار گرفته و ده‌ها سال زمان لازم دارد تا به موقعیت پیش از جنگ برگردد. برای بحرین و کویت هیچ امنیتی باقی نمانده و ده‌ها بار مورد تهاجم سنگین هوافضای سپاه و ارتش قرار گرفته‌اند و هر آن در معرض تهاجماتی سنگین‌تر هستند. کشورهای جنوب خلیج‌فارس از زمان تأسیس خود یعنی طی کمتر از ۱۰۰ سال هیچ‌گاه در معرض درگیری نبوده و حالا به کانون جنگ تبدیل شده‌اند.

جمع‌بندی این است که سه سال پس از طوفان‌الاقصی و مقاومت سرسختانه جبهه مقاومت در برابر تهاجمات جبهه مشترک اسرائیلی، آمریکایی و عربی، امنیت اسرائیل بحرانی‌تر از همیشه است. اقتدار مهم‌ترین عامل بقای رژیم جعلی یعنی آمریکا در منطقه شکننده‌تر از هر زمان و وضع امنیتی عوامل عرب حافظ اسرائیل خراب‌تر از همیشه است. پس جنگ نه تنها به بازگرداندن بقای رژیم اسرائیل منجر نشده بلکه به پاشنه آشیل‌شان تبدیل گردیده است. بسیاری از ناظران نظامی دنیا عقیده دارند این جنگ، اسرائیل را به نقطه پایان می‌رساند.

سعدالله زارعی

وقتی ثروت ملی «غنیمت جنگی» می‌شود

واقعیت ونزوئلا ۹ ماه پس از وعده‌های ترامپ

۹ ماه از کودتای نظامی دولت تروریستی آمریکا در ونزوئلا می‌گذرد و وضعیت این کشور و مردم آن روز به روز در حال وخیم‌تر شدن است.

در حال حاضر بیش از ۹ ماه از کودتای نظامی ارتش تروریست آمریکا در ونزوئلا می‌گذرد و این کشور بیش از پیش به تصویر کشوری بحران‌زده شبیه شده است تا کشوری که قرار بود با کمک آمریکا به توسعه برسد! ونزوئلا روزگاری نماد ثروت نفتی آمریکای لاتین بود. کشوری با بزرگ‌ترین ذخایر اثبات‌شده نفت جهان که در دهه‌های گذشته می‌توانست با مدیریت درست به یکی از مرفه‌ترین ملت‌های منطقه تبدیل شود. اما سال‌ها توطئه، تحریم‌های گسترده و فشارهای خارجی، اقتصادش را به زانو درآورد.

تولید نفت که زمانی نزدیک به سه میلیون بشکه در روز بود، به کمتر از یک میلیون سقوط کرد. میلیون‌ها نفر کشور را ترک کردند و فقر و کمبود خدمات اولیه به دلیل تحریم‌های اقتصادی شدید، به بخشی از زندگی روزمره مردم تبدیل شد.

در ژانویه ۲۰۲۶، با عملیات نظامی آمریکا، نیکلاس مادورو رئیس‌جمهور قانونی ونزوئلا، توسط متجاوزان آمریکایی ربوده شده و به ایالات متحده منتقل شد. دلسی رودریگز به‌عنوان رئیس‌جمهور موقت روی کار آمد و وعده‌های فراوانی درباره دموکراسی، سرمایه‌گذاری خارجی و رونق اقتصادی داده شد. بسیاری امیدوار بودند که با تغییر در رأس قدرت، شرایط زندگی مردم به سرعت بهبود یابد. اما آنچه در ماه‌های بعد رخ داد، تصویری متفاوت از آن چیزی بود که وعده داده می‌شد.

وعده‌های رونق ترامپ و واقعیت تلخ مردم عادی

پس تسلط ترامپ بر ونزوئلا، تولید نفت اندکی افزایش یافت و به حدود یک میلیون و دویست هزار بشکه در روز رسید. برخی پیش‌بینی‌ها از رشد اقتصادی چهار تا شش و نیم درصدی سخن گفتند. شرکت‌های آمریکایی و غربی وارد مذاکره شدند و توافق‌هایی برای دسترسی بلندمدت به میدان‌های نفتی به امضا رسید.

با این حال، برای مردم عادی ونزوئلا وضعیت چندان تغییر نکرده است. تورم همچنان بالا ماند و قدرت خرید خانواده‌ها را می‌بلعد. قطعی برق که پیش از این هم مشکل‌ساز بود، در بسیاری مناطق بدتر شد و ساعات طولانی خاموشی ادامه یافته است. کمبود آب آشامیدنی و مشکلات زیرساختی همچنان مردم را آزار می‌دهد. سرمایه‌گذاری‌های وعده داده شده به بهبود ملموس در کیفیت زندگی بخش بزرگی از جمعیت منجر نشده است.

بسیاری از ونزوئلایی‌ها که با خبرنگاران صحبت می‌کردند، به این مسئله اشاره می‌کنند که از زمان دستگیری مادورو، بهبود اقتصادی که انتظار می‌رفت رخ نداده است. قیمت‌ها بالا می‌رود، بولیوار ارزش خود را از دست داده و درآمدهای نفتی که ترامپ از آن‌ها سخن می‌گفت، به‌طور گسترده به سفره مردم نمی‌رسد.

انتخابات هنوز برگزار نشده و تاریخ مشخصی برای آن اعلام نگردیده است. در عمل، آنچه رخ داده بود انتقال کنترل بخش مهمی از منابع طبیعی کشور به دست خارجی‌ها افتاده است، در حالی که مشکلات ساختاری و معیشتی مردم همچنان پابرجا مانده است.

وقتی غنائم به پیروز می‌رسد

دونالد ترامپ بارها با افتخار از این توافق‌ها سخن گفت و آن را بزرگ‌ترین معامله نفتی تاریخ جهان نامید. او صراحتاً اعلام کرد که آمریکا کنترل اکثریتی بیش از شصت و پنج میلیارد بشکه ذخایر نفتی ونزوئلا را به دست آورده و این کار بدون هزینه برای مالیات‌دهنده آمریکایی انجام شده است. ترامپ با زبانی صریح و گستاخانه گفت که نفت زیادی از ونزوئلا برمی‌دارد و حتی در سخنان خود، از عبارت «غنائم متعلق به پیروز است» استفاده کرده است. او همچنین از پر کردن ذخایر استراتژیک آمریکا با نفت ونزوئلا سخن گفت و مدعی شد میلیاردها دلار از این منابع به جیب ایالات متحده می‌رود.

این اظهارات دیگر تحلیل مخالفان نبود؛ اعتراف رسمی رئیس‌جمهور آمریکا به کنترل منابع ملی کشوری دیگر بود. ماجرای ونزوئلا نشان داد که اعتماد به وعده و وعیدهای متجاوزان خارجی برای ایجاد تغییر، سرابی بیش نیست، به‌ویژه وقتی این تغییر با دخالت نظامی خارجی و واگذاری منابع ملی همراه باشد.

وعده‌های رونق و آزادی وقتی با از دست رفتن حاکمیت ملی همراه شوند، اغلب به وابستگی بیشتر و تداوم سختی‌ها برای مردم عادی منجر می‌شوند. ثروت از زمین بیرون می‌آید، اما مسیر آن بیشتر به سمت شرکت‌های خارجی و منافع قدرت مداخله‌گر منحرف می‌شود تا رفاه عمومی مردم آن کشور.

این تجربه تلخ یادآور این حقیقت است که ملتی که سرنوشت خود را به دست بیگانه بسپارد و به وعده‌های دشمن اعتماد کند، معمولاً با نتیجه‌ای بهتر از آنچه داشته روبه‌رو نمی‌شود و گاهی حتی شرایط دشوارتری پیدا می‌کند.

ایستادگی ایران در برابر تهاجم

این تصویر وقتی در کنار تجربه ایران در جنگ اخیر قرار گیرد، تفاوت‌ها آشکارتر می‌شود. جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران که از اسفند ۱۴۰۴ آغاز شد، با حملات گسترده به اهداف نظامی و زیرساختی همراه بود.

رهبر معظم انقلاب به شهادت رسید، خسارات سنگینی وارد آمد و درگیری‌ها تا چهل روز به صورت گسترده و پس از آن به صورت محدود ادامه یافت. خلیج‌فارس و کشورهای منطقه نیز به عرصه تنش و پاسخ به تجاوزات آمریکایی تبدیل شد، تبادل آتش میان طرفین برقرار ماند و فشارهای اقتصادی و نظامی شدید بر کشور و مردم وارد شد.

با این حال، آنچه در این میان برجسته بود، مقاومت گسترده و استمرار ایستادگی مردم و نیروهای ایرانی در برابر تهاجم خارجی بود. برخلاف ونزوئلا که پس از مداخله نظامی خارجی کنترل بخش مهمی از منابعش را از دست داد و وارد مسیر وابستگی شد، ملت ایران در برابر فشار نظامی و سیاسی ایستاد و حاضر نشد استقلال و حاکمیت خود را تسلیم کند.

در ونزوئلا، پس از دستگیری مادورو، دولت موقت عملاً تسلیم قدرت خارجی شد و توافق‌هایی را پذیرفت که کنترل نفت را به دست آمریکا سپرد.

در ایران اما، حتی با وجود شهادت تعداد بالایی از فرماندهان و غیرنظامیان، خسارات زیرساختی و ادامه درگیری‌ها، خط قرمز حفظ استقلال و عدم تسلیم در برابر خواسته‌های تحمیلی حفظ شد. مردم و حاکمیت در شرایط جنگ و فشار، به جای واگذاری امتیاز یا پذیرش قیمومت خارجی، بر اصل اساسی گفتمان مقاومت در برابر متجاوز تأکید کردند.

این تفاوتی بنیادین است: یکی مسیر اتکا به دشمن و پذیرش دخالت را پیمود و نتیجه آن کنترل خارجی بر ثروت ملی و تداوم مشکلات معیشتی بود؛ دیگری با وجود هزینه‌های سنگین، مسیر ایستادگی را انتخاب کرد و از تسلیم کامل حاکمیت جلوگیری نمود.

تجربه ونزوئلا درس روشنی دارد. وقتی ملتی امید خود را به تغییر از طریق مداخله خارجی ببندد و اجازه دهد منابعش به غنیمت تبدیل شود، حتی اگر آمارهای رشد اقتصادی یا افزایش تولید نفت اعلام شود، واقعیت زندگی مردم اغلب تغییر اساسی نمی‌کند و وابستگی جدید جایگزین مشکلات قدیمی می‌شود.

به گزارش مشرق، در مقابل، مقاومت ایرانیان در جنگ اخیر نشان داد که حفظ استقلال و ایستادگی در برابر تهاجم، هرچند پرهزینه باشد، از تسلیم و واگذاری سرنوشت به بیگانه متفاوت است و امکان حفظ هویت ملی و تصمیم‌گیری مستقل را به منظور ارتقاء و بهبود وضعیت داخلی خود در آینده را فراهم می‌کند. این دو مسیر، دو نتیجه متفاوت را پیش روی تاریخ قرار داده‌اند و عبرت آن برای هر ملتی که هنوز سرنوشتش را در دست خود دارد، روشن است.

واشنگتن‌پست:

جنگ با ایران به باتلاقی برای آمریکا بدل شده است

واشنگتن‌پست در مطلبی نوشت که جنگ آمریکا علیه ایران به باتلاقی برای ترامپ تبدیل شده است.

روزنامه آمریکایی «واشنگتن‌پست» نوشت: در حالی که برخی حامیان ترامپ مدعی پیروزی آمریکا در جنگ با ایران هستند، هزینه‌های سنگین نظامی و اقتصادی این درگیری و نبود چشم‌انداز روشن برای پایان آن، روایتی دیگر از وضعیت جنگ ارائه می‌دهد.

این روزنامه به اظهارات چهره‌هایی مانند «اسکات جنینگز» و «هیو هیویت» اشاره کرد که مدعی شده‌اند «آمریکا پیروز شده و ایران شکست خورده است».

با این حال، واشنگتن‌پست تأکید کرد که دستاوردهای تاکتیکی لزوماً به معنای پیروزی راهبردی نیستند. به نوشته این روزنامه، جنگ به باتلاقی برای آمریکا تبدیل شده است؛ درگیری‌ای که هزینه‌های آن ادامه دارد، اما واشنگتن هنوز هدف روشنی برای ادامه آن ندارد.

تا زمانی که ترامپ درباره مسیر نهائی جنگ تصمیمی قاطع نگیرد، آمریکا همچنان در این بن‌بست گرفتار خواهد ماند.

بلومبرگ: حملات آمریکا نتوانست توان موشکی و پهپادی ایران را از بین ببرد

منابع غربی به پایگاه خبری-تحلیلی «بلومبرگ» اعلام کرده‌اند که جمهوری اسلامی ایران، علی‌رغم ماه‌ها تجاوز آمریکا و رژیم صهیونیستی، موفق شده است بخش مهمی از زیرساخت‌های تولید موشک و پهپاد خود را حفظ کند؛ موضوعی که نشان می‌دهد تهران همچنان از توان لازم برای بازسازی و تقویت زرادخانه موشکی خود برخوردار است.

طبق گزارش بلومبرگ، به گفته یکی از این مقامات، ایران همچنان ذخایر قابل توجهی از موشک‌های بالستیک و برخی موشک‌های ضدکشتی در اختیار دارد و قادر است در مدت کوتاهی بر تعداد آن‌ها بیفزاید.

این ارزیابی‌ها در تضاد آشکار با ادعاهای مکرر دونالد ترامپ و اعضای دولت او قرار دارد که طی ماه‌های گذشته بارها مدعی شده بودند حملات هوائی آمریکا توان نظامی ایران را به طور کامل نابود کرده است. ترامپ پیش‌تر مدعی شده بود ارتش ایران «به طور کامل نابود شده» و «پیت هگست»، وزیر جنگ آمریکا نیز در سخنرانی ۳۰ سپتامبر ادعا کرده بود ظرفیت صنعت نظامی و زیرساخت دفاعی ایران به طور کامل از بین رفته است.

با این حال، ارزیابی جدید منابع غربی نشان می‌دهد این ادعاها با واقعیت‌های میدانی همخوانی ندارد و ایران همچنان توان بازسازی قدرت موشکی خود را حفظ کرده است؛ مسئله‌ای که می‌تواند در صورت ازسرگیری حملات آمریکا، قدرت بازدارندگی جمهوری اسلامی را حفظ کند.

در همین حال، کاخ سفید این ارزیابی‌ها را رد کرده و «آنا کلی» سخنگوی این نهاد مدعی شده که عملیات‌های نظامی آمریکا تأسیسات هسته‌ای، ظرفیت تولید موشک‌های بالستیک و بخش‌هایی از توان دریایی ایران را نابود کرده‌اند.

با وجود این ادعاها، گزارش بلومبرگ تصریح می‌کند ارزیابی‌های اطلاعاتی غربی حاکی از آن است که جمهوری اسلامی ایران همچنان از توان قابل توجهی برای پاسخگویی به هرگونه حمله احتمالی آمریکا برخوردار است.

بلومبرگ همچنین نوشت که ایران از آغاز درگیری‌ها هزاران فروند موشک و پهپاد را به کار گرفته است؛ آماری که از نگاه تحلیلگران، نشان‌دهنده تداوم ظرفیت عملیاتی و توان تولید تسلیحات در جمهوری اسلامی ایران است.

«ویلیام آلبرک»، پژوهشگر ارشد اندیشکده «پاسیفیک فروم»، نیز در این گزارش اذعان کرده است که ایران طی سال‌های گذشته ذخایر قابل توجهی از موشک‌های کروز و ضدکشتی را انبار و در نقاط امن نگهداری کرده و احتمالاً آنچه تاکنون مشاهده شده تنها بخش کوچکی از توان واقعی ایران است.

در پایان این گزارش نیز «سیدهارت کاوشال»، پژوهشگر مؤسسه سلطنتی خدمات متحد (RUSI)، تصریح می‌کند که ایران همچنان از ذخایر گسترده موشک‌های ضدکشتی برخوردار است؛ زیرا این موشک‌ها نسبتاً ساده‌تر تولید می‌شوند و بخش قابل توجهی از خطوط تولید آن‌ها بومی‌سازی شده است.

به گزارش تسنیم، وی همچنین بموقعیت جغرافیایی جنوب ایران اشاره می‌کند که به گفته او، پناهگاه‌های طبیعی مناسبی برای حفاظت از این تأسیسات در برابر حملات هوائی فراهم می‌کند.

خبر ویژه

آقای ظریف! چرا هر وقت آمریکا کم می‌آورد شما عملیات انتحاری انجام می‌دهید؟!

انتشار مشکوک یک ویدیو از محمدجواد ظریف، وزیر خارجه اسبق و از بانیان «خسارت محض برجام»(که گویا مربوط به اردیبهشت ۱۴۰۴ است)، بار دیگر عمق انحراف گفتمانی و نفوذ تفکر غرب‌زده را به رخ کشید.

وی که ظاهراً از نقدهای مستند به کارنامه خسارت‌بارش کلافه شده، این‌بار با توسل به تعابیر رکیک و ادبیاتی دور از شأن مخاطبان فرهیخته، دوگانه‌سازی مجددی تحت عنوان «نگاه تهدیدمحور یا فرصت‌محور» علیه امنیت ملی ایران طراحی کرده است.

به‌راستی باید از وی پرسید چرا درست در بزنگاه‌هایی که آمریکا در برابر اقتدار ایران دچار بن‌بست و درماندگی می‌شود، با حمله انتحاری به بازوهای امنیت ملی، برای دشمن فرصت تنفس ایجاد می‌کنید؟!

ظریف با طرح این ادعای عجیب که علت اصلی دشمنی‌ها، نگاه تهدیدمحور تهران به منطقه است، می‌گوید: «اگر نگاه ما به منطقه تهدیدمحور باشد، باید سفیرمان نماینده قدس باشد، اگر نگاهمان فرصت‌محور باشد، باید سفیرمان بازرگان و دیپلمات باشد... چرا سفرای ما در افغانستان و سوریه و عراق، نماینده قدس هستند؟ چون آن‌ها را تهدید می‌بینیم.» وی حتی در کمال ساده‌انگاری مدعی می‌شود: «اگر ما عربستان را تهدید بدانیم، آن‌وقت برای ما تهدید می‌شود!»

اما در پاسخ به این اظهارات شتاب‌زده و بی‌مبنا، باید چند درس ابتدائی از «واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل» را به کسی که سال‌ها بر مسند وزارت خارجه تکیه زده بود یادآوری کرد. نخست آن‌که آقای ظریف مدعی است انتصاب نظامیان به‌عنوان سفیر، نشانه نگاه تهدیدمحور و عامل تخریب روابط است؛ اما گویا ایشان فراموش کرده-یا خود را به فراموشی زده-که همین کعبه آمالشان، یعنی ایالات متحده آمریکا، بارها ارشدترین ژنرال‌های نظامی خود را به عنوان سفیر روانه کشورهای متحد و استراتژیک کرده است.

«جان ابی‌زید» (ژنرال ۴ ستاره و فرمانده سابق سنتکام) سفیر آمریکا در عربستان؛ «سپهبد کارل آیکنبری» سفیر در افغانستان، «دریاسالار هری هریس» (فرمانده سابق ناوگان اقیانوس آرام) سفیر در کره جنوبی، و «ژنرال ویلیام کرو» (رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا) سفیر واشنگتن در لندن بوده‌اند. آیا آمریکا به کره جنوبی و انگلستان نگاه تهدیدمحور داشته یا این‌که ساختار قدرت در غرب، دیپلماسی را امتداد اقتدار نظامی می‌داند؟!

از سوی دیگر، ظریف درحالی به تحقیر دیپلمات‌های جبهه مقاومت می‌پردازد که خود در همین سخنرانی دچار تناقض‌گویی مضحکی می‌شود و می‌گوید: «اگر من این‌جا تا صبح راجع به گذشته غر بزنم، قاسم زنده می‌شود؟ سیدحسن زنده می‌شود؟ بیایید یک واقعیت را بپذیریم... مائو گفت من به خودم باور دارم که جلوی آمریکا بنشینم و با آن مذاکره کنم. چین بعد از این بود که پیشرفت کرد.» باید از ایشان پرسید: جنابعالی که از دهه ۷۰ تاکنون یک‌پای ثابت مذاکره، عقب‌نشینی و امتیازدهی به طرف آمریکایی بوده‌اید، چه دستاوردی جز «شدیدترین تحریم‌ها»، «جسورتر شدن دشمن» و «تحمیل جنگ و فشار اقتصادی به مردم» داشته‌اید؟ ظریف طوری از تجربیات مائو سخن می‌گوید که گویی فراموش کرده تحریم‌های مکرر و جنایات آمریکا، محصول دقیق همان اعتمادهای بی‌جایی است که امثال وی به «امضای کِری» داشتند.

خط اصلی فرامتن سخنان ظریف بر یک اصل استوار است: «تطهیر دشمن و متهم کردن جریان خودی». چطور می‌توان تکفیری‌ها و رژیم‌های متخاصم منطقه‌ای را «فرصت» نامید، اما بازوی توانمند امنیت کشور یعنی نیروی قدس و منتقدان دلسوز برجام را «تهدید» جلوه داد؟

در شرایطی که کشور نیازمند اتحاد مقدس و مقاومت در برابر دشمن آمریکایی-صهیونیستی است، جای تأسف دارد که بانیان خسارت محض برجام، به‌جای پاسخگویی و عذرخواهی از ملت، هنوز مشغول حاشیه‌سازی و ترور شخصیت سربازان وطن هستند. آیا وقت آن نرسیده که جریان غرب‌زده، به‌جای نسخه‌پیچی‌های خیالی، چشم خود را بر واقعیات تلخ تجربه برجام باز کند؟!

اعتراف پادوی صهیونیست‌ها به ناکامی آمریکا و اسرائیل مقابل ایران

سلطنت‌طلبان که به دنبال افسردگی شاهزاده رباتی‌شان به شدت افسرده شده‌اند، در عجب و حیرت از ایستادگی جمهوری اسلامی در برابر آمریکا و رژیم صهیونیستی و حتی سیلی زدن مردم ایران به این دو قدرت نظامی هستند. رُبّ پهلوی نیز که پیش از این، با خودشیفتگی در سودای حکومت بر مردمی بود که پدر وی را سرنگون کرده‌اند. حضورش در رسانه‌ها و محافل سیاسی بسیار کم فروغ شده است.

این وضعیت اردوگاه سلطنت‌طلبان که در اردوگاه سایر عُمال موساد تسری پیدا کرده است. گویای روحیه ضعیف و به در بسته خوردن اهداف شومشان علیه مردم ایران است. البته خیلی زودتر باید می‌فهمیدند که ملت عظیم و عزیز ایران زباله‌های تاریخی که خود از سرزمینشان بیرون رانده‌اند مجدد به وطن راه نمی‌دهند.

ولی برای فهم این موضوع حیثیت و آبروی نداشته خود را قمار کردند و پشت سر دشمنان خونخوار ملت ایران یعنی اسرائیل و آمریکا قرار گرفتند.

یکی از فعالین سلطنت‌طلب اخیرا در گفت‌وگویی که با منوشه امیر دارد، از وی پرسیده است که چرا جمهوری اسلامی همچنان پابرجاست؟

منوشه امیر که به پادوی برای اسرائیل مشهور است، در پاسخ گفت: من با تأیید سخنان شما می‌گویم که ایالات متحده و اسرائیل دیگر چه کاری می‌توانند برای تحت فشار قرار دادن این حکومت انجام دهند؛ حکومتی که اکنون با شدیدترین تحریم‌ها روبه‌روست؛ در شرایط کنونی، بیش از این کار چندانی از دست اسرائیل و آمریکا برنمی‌آید.

تعهد ترامپ به پوتین مثل «توافق اسلام‌آباد» زیرِ پا رفت

«ترامپ به توافق نیاز دارد»؛ این عبارت بخشی از تحلیل و دیدگاه حسین مرعشی است که با اعلام توافق «ترامپ» و «پوتین» همزمان شد؛ توافقی که ساعاتی پس از بازتاب در رسانه‌ها با حمله اوکراین به پالایشگاه نفت روسیه، مانند توافق «اسلام‌آباد» زیر پا رفت.

حسین مرعشی در گفت‌وگو با «خبرآنلاین» گفت: «ترامپ اکنون به توافق نیاز دارد؛ توافقی که شاید بتواند در انتخابات به کمک او بیاید».

همزمان با دعوت مرعشی به مذاکرات و توافق مجدد، «دونالد ترامپ» و «ولادیمیر پوتین» درباره تأمین سوخت گازوئیل به راه‌حلی مشترک رسیدند که اوکراین بی‌اعتنا به توافق شکل گرفته، مخازن ذخیره‌سازی پالایشگاه نفت «نووشاختینسک» در منطقه «روستوف» روسیه را مورد هدف قرار داد.

حمله اوکراین به تأسیسات نفتی روسیه پس از توافق ترامپ و پوتین، یادآور نقض تعهدات رژیم صهیونیستی پس از توافق اسلام‌آباد بود؛ نقض تعهداتی که با واکنش نمایشی ترامپ مواجه شد.

واکنش نمایشی ترامپ به نقض تعهدات از سوی «نتانیاهو» در توافق اسلام‌آباد و سنگ‌اندازی «زلنسکی» در مسیر اجرای توافق روسیه و آمریکا، بیش از آنکه نشانه پیگیری جدی تعهدات باشد به «جنگ زرگری» شباهت دارد و الگویی است که برای حفظ اعتبار سیاسی و اقناع افکار عمومی استفاده می‌شود.

به عنوان نمونه، ۲۴ خرداد ۱۴۰۵ همزمان با توافق شفاهی ایران و آمریکا، اسرائیل به بیروت حمله کرد و ترامپ در واکنش به نقض پیمان نوشت: «حمله به بیروت نباید اتفاق می‌افتاد، به ویژه در روز خاصی که ما به توافق صلح با ایران بسیار نزدیک هستیم... دیگر نباید در هیچ کجای لبنان حملاتی از سوی اسرائیل انجام شود»؛ واکنشی نمایشی و خنثی که فقدان ضمانت اجرائی را توجیه می‌کند.

همچنین با موضع‌گیری‌های حداقلی، مانع ترمیم اعتماد از بین رفته شده و مسیر شکل‌گیری سازوکاری مؤثر برای جبران بی‌اعتمادی را مسدود می‌کند.

به استناد تاریخ، واشنگتن یا به نقض تعهدات متهم است یا در برابر نقض پیمان از سوی متحدانش به موضع‌گیری‌های نمایشی بسنده می‌کند؛ در شرایطی که اعتماد، «پاشنه آشیل» توافق با آمریکاست، چرا باید نیاز ترامپ به توافق را مبنای تصمیم‌گیری قرار دهیم و به توافقی تن دهیم که از ابتدا در معرض نقض قرار دارد؟!

گفت و شنود

مگه یادت رفته؟!

گفت: مگر حفظ حجاب یک واجب دینی و الزام قانونی نیست؟

گفتم: بر منکرش لعنت!

گفت: مگر ده‌ها تن از مقامات اطلاعاتی و امنیتی آمریکا، اروپا و رژیم صهیونیستی با صراحت اعلام نکرده‌اند که اصلی‌ترین و نابودکننده‌ترین اهرم برای مقابله با اسلام و جمهوری اسلامی، گسترش بی‌حجابی و بی‌بندوباری است؟!

گفتم: مارتین ایندیک، سفیر سابق آمریکا در رژیم صهیونیستی، نتانیاهو، کنت دمارانش، رئیس سابق سازمان جاسوسی فرانسه، دیوید کیو از سازمان سیا و ده‌ها مقام اطلاعاتی و امنیتی دیگر بارها تاکید کرده‌اند «تنها راه براندازی جمهوری اسلامی ایران برداشتن چادر و روسری از سر زنان و دختران است».

گفت: چرا مسئولان مربوطه با این حرکت پلشت که رواج بی‌عفتی، ویران کردن اساس خانواده و موجودیت نظام را نشانه رفته است و بخش ویرانگری از جنگ ترکیبی است برخورد نمی‌کنند؟! اگر وظیفه دینی و قانونی خود را فراموش کرده‌اند، در جایگاه مسئولیتی نظام چه می‌کنند؟!

گفتم: طرف برای سخنرانی پشت تریبون رفته بود ولی ساکت ایستاده بود! پرسیدند؛ پس چرا حرفی نمی‌زنی؟ گفت؛ یادم رفته که چه باید بگویم! گفتند؛ پایین آمدن از پشت تریبون که یادت نرفته!

ولایتی:

مشکل آمریکا با انقلاب اسلامی نیست با تمدن ایرانِ قوی و مستقل است

علی اکبر ولایتی در واکنش به اظهارات اخیر روبیو نوشت: آقای روبیو مشکل شما با «انقلاب اسلامی» نیست؛ با تمدن ایرانِ قوی و مستقل است.

علی اکبر ولایتی، مشاور امور بین‌الملل رهبر انقلاب با انتشار پیامی نسبت به اظهارات اخیر روبیو واکنش نشان داد و نوشت: در سخنرانی اخیر روبیو یک تناقض آشکار هست: ایستادگی «تا آخرین نفر» در یونان باستان ستایش می‌شود، اما ایستادگی ملت بزرگ ایران با برچسب «فرقه مرگ» تحقیر می‌شود.

ولایتی همچنین خاطرنشان کرد: ستایش مقاومت برای «خودی» و تحقیر آن برای «دیگری» تمدن نیست، فلسفه‌بافی برای سلطه است.آقای روبیو مشکل شما با «انقلاب اسلامی» نیست.

وی در ادامه افزود: با تمدن ایرانِ قوی و مستقل است. آنکه فاجعه‌های هیروشیما و ویتنام و عراق و افغانستان را به وجود آورد، حق ندارد درس اخلاق بدهد!

تکرار سکوت «عبدالحمید» مقابل عملیات تروریستی

امام‌جمعه اهل‌سنت مسجد مکی زاهدان در حالی از ضرورت حفظ امنیت همه مردم استان سخن می‌گوید که در ادامه سکوت‌های پیشین خود، در برابر ترور دکتر افتخاری از سوی گروهک جیش‌الظلم نیز تاکنون واکنشی نشان نداده است.

درحالی‌که گروهک تروریستی جیش‌الظلم مسئولیت ترور معاون اجتماعی انتظامی سیستان و بلوچستان خانم دکتر افتخاری را بر عهده گرفت، مولوی عبدالحمید، امام‌جمعه اهل‌سنت مسجد مکی زاهدان تاکنون واکنشی به این عملیات تروریستی نشان نداده است.

خانم دکتر نصرت افتخاری از خادمان مردم در مجموعه انتظامی استان سیستان و بلوچستان به درخواست اهالی منطقه چشمه‌زیارت و برای تشریح اقدامات و فراهم‌سازی مقدمات اجرای طرح شهید فضیلتی به این منطقه اعزام شده بود که در جریان انفجار تله انفجاری در مسیر حرکت خودروی پلیس در زاهدان به شهادت رسید.

سکوت عبدالحمید زمانی معنادار می‌شود که بدانیم وی معمولاً نسبت به مسائل موردنظر خود در هر سطحی واکنش نشان می‌دهد. برای مثال، او در پی درگذشت رئیس پارک علم و فناوری سیستان و بلوچستان بارها واکنش نشان داد و حتی برای درگذشت پدر نرگس محمدی نیز پیام تسلیت صادر کرد.

عبدالحمید روز جمعه (۱۷ مهرماه) در خطبه‌های نمازجمعه گفته بود که همه اقوام و مذاهب در این استان با یکدیگر خویشاوندند و قرابت تاریخی دارند و این اخوت باید حفظ شود؛ «امنیت راه‌ها، شهرها و تمامی مردم عزیز استان حیاتی است و همه باید در حفظ آن بکوشند.»

با این وجود امام‌جمعه اهل‌سنت مسجد مکی زاهدان که خود را «صدای بلوچستان» می‌داند، با گذشت ۲۵ روز از ترور ماموستا گرگیج، عالم اهل‌سنت زاهدان که به خدمت به مردم محروم شهره بود، نیز هنوز این عملیات تروریستی را محکوم نکرده است.

عدم واکنش به حمله مسلحانه به مینی‌بوس حامل کارکنان نزاجا در نیکشهر و تیراندازی به سمت شهروندان در جکیگور راسک از دیگر مواردی است که عبدالحمید نسبت به آن‌ها سکوت کرده است.

به گزارش فارس، این در حالی است که علما و معتمدین نیکشهر اقدام تروریستی علیه رزمندگان نیروی زمینی ارتش را تأسف‌بار خوانده بودند. حالا با توجه به موضع‌گیری‌ها و سکوت‌های امام‌جمعه اهل‌سنت مسجد مکی، این پرسش مطرح می‌شود که منظورِ وی از «همه اقوام و مذاهب» دقیقاً چه کسانی است؟!

کیهان و خوانندگان

۳۳۱۱۰۰۶۵

ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر

*محدودیت‌های گسترده دوران جنگ تحمیلی، جمهوری اسلامی را به سمت توسعه ظرفیت‌های داخلی، ابتکار عملیاتی و اتکا به توان بومی سوق داد. نتیجه این روند طی دهه‌های بعد در توسعه صنایع دفاعی، موشکی، پهپادی، پدافندی و جنگ الکترونیک نمایان شد که بخشی از این ظرفیت‌ها اکنون در ساختار عملیاتی نیروهای مسلح قرار دارد.

سجادپور

*گرچه رژه نیروهای مسلح در ۳۱ شهریور امسال به خاطر ملاحظات امنیتی برگزار نشد ولی درگیری‌های اخیر و پیروزی ایران در دو جنگ تحمیلی ۱۲ و ۴۰ روزه، معیار دیگری را برای سنجش توان نظامی برجسته کرده‌اند. توجه داشته باشیم کارآمدی تجهیزات و سامانه‌ها در نهایت زمانی مشخص می‌شود که در شرایط واقعی، امکان استفاده مؤثر از آن‌ها وجود داشته باشد.

مرادزاده

*نظرسنجی جدید رویترز/ ایپسوس نشان داد که میزان محبوبیت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، به ۳۲ درصد سقوط کرده است که پایین‌ترین سطح دوران سیاسی او محسوب می‌شود. در ضمن بر اساس این نظرسنجی، اولین‌بار است که جمهوری‌خواهانی که نحوه مدیریت ترامپ در قبال هزینه‌های زندگی را تأیید نمی‌کنند، از کسانی که از او حمایت می‌کنند، بیشتر است.

صالح‌نیا

*علت این که عربستان با وجود در اختیار داشتن تسلیحات خوب در حوزه‌های آفندی و پدافندی، نمی‌تواند به‌خوبی از آن‌ها استفاده کند، بخشی از این ضعف به نیروی انسانی ارتش عربستان و بخشی به سیاست‌های آمریکا در قبال کشورهای عربی بازمی‌گردد. اساساً آمریکا کشورهای عربی منطقه را طوری تجهیز می‌کند که نتوانند خطری برای اسرائیل به وجود آورند تا برتری نظامی این رژیم در منطقه حفظ شود.

کبیری

*رسانه‌های معاند، روند تولید و انتشارِ اخبار جعلی و شایعات را مجدداً تشدید کرده‌اند. باید توجه داشت راه مقابله، صرفاً پاسخ دادن به شایعات نیست. بلکه قطع زنجیره تولید و بازنشر اخبار جعلی و جلوگیری از تثبیت آن‌ها در ذهن جامعه است.

جهانیان

*خروج کامل نظامیان آمریکایی از عراق یک دستاورد و پیروزی بزرگ برای عراق و مقاومت محسوب می‌شود. ولی با این حال، این پیروزی نمادین به معنای پایان مشکلات عراق نیست. در مرحله پساخروج، چندین چالش فراروی این کشور قرار دارد.

کرم‌پور

*یکی از دلایلی که ایران در ۶ ماه گذشته با محاصره دریایی مدارا می‌کرد، عدم استفاده از سلاح مناسب برای زدن کشتی‌ها، در فواصل بالای ۵۰۰ کیلومتر بود. اما به لطف خداوند ایران در این مدت به فناوری موشک بالستیک برای زدن کشتی‌های متحرک دست یافت و در جنگ بعدی شگفتی‌های جدیدی اتفاق خواهد افتاد.

جهان‌مطاع

*توسعه روابط ایران و چین نباید تنها به خرید و فروش نفت یا مناسبات سیاسی محدود بماند. بلکه باید طیف گسترده‌ای از همکاری‌های اقتصادی را دربرگیرد. یکی از مهم‌ترین این حوزه‌ها، کریدور شرق- غرب و اتصال چین به بازارهای غرب آسیا و اروپا است. جایی که موقعیت جغرافیایی ایران می‌تواند نقش مهمی در کاهش زمان و تنوع‌بخشی به مسیرهای حمل کالا ایفا کند.

پوراردی

*واشنگتن و تل‌آویو تصمیم داشتند با حمله به ایران باعث سرنگونی نظام سیاسی ایران شده و در صورت عدم تحقق آن، توانمندی‌های هسته‌ای و نظامی ایران را از بین ببرند، اما در این جنگ هر دو قدرت اتمی دنیا شکست خوردند و به هیچ‌کدام از اهداف خود نرسیدند. و این ایران بود که پیروزمندانه ظاهر شد.

پاکدل

*ایران در جریان حمله مرگبار خود به پایگاه آمریکا در اردن تنها ۲۰ موشک بالستیک شلیک کرد. اما آمریکا برای مقابله با این حمله مجبور شد بیش از ۸۰ موشک شلیک کند. در نهایت هم موشک‌های ایرانی به پایگاه آمریکا اصابت کردند. به عبارتی آمریکا مجبور شد برای دفع حمله ایران، به اندازه مصرف یک هفته خود طی جنگ، از موشک‌های رهگیر استفاده کند. این همان سیاست فرسایش توان نظامی دشمن در جنگ است که فرماندهان نظامی کشورمان در آن موفق عمل کرده‌اند.

نثاری

*باتلاق‌هایی که ترامپ در آن افتاده یکی‌دوتا نیست. روزنامه فایننشال تایمز در گزارش خود نوشته در صورت پیروزی حزب دموکرات در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره، پرونده‌های نظارتی و تحقیقات قضائی علیه رئیس‌جمهور آمریکا و شرکای اقتصادی او با شدتی کم‌سابقه پیگیری خواهد شد. در همین رابطه رابرت گارسیا، ارشدترین نماینده دموکرات در کمیته نظارت مجلس نمایندگان آمریکا نیز اعلام کرده در صورت پیروزی حزب دموکرات، این حزب با رفتاری «تهاجمی» به پیگیری پرونده‌های مرتبط با «خانواده مجرم ترامپ»، شرکای تجاری و متحدان میلیاردر او خواهد پرداخت.

زندیان

*فرانسه به‌خاطر اعتراضات دانش‌آموزی اینترنت را قطع کرده، نت ملی هم ندارند، حالا سیستم بانکی هم قطع شده و مردم نمی‌توانند با کارت خرید کنند! اگر این مسئله در کشور ما رخ می‌داد چه علم‌شنگه‌ای راه می‌انداختند این غرب‌گراها؟!

قاسمی

*حالا که دکتر زاکانی بسیاری از اتوبوس‌های تهران را نوسازی و اغلب برقی نموده، مترو تهران را رایگان، چهره جنگ‌زده شهر را به سرعت تغییر داده، پروژه‌های قدیمی و جدید را به سرعت انجام داده، به فکر معیشت مردم تهران افتاده است چرا برخی اصلاح‌طلبان و غرب‌پرستان دردشان گرفته است؟!

دست‌گشاده

*جانشین فراجا اعلام کرده بانوان برای ورود به اماکن انتظامی حتماً باید حجاب داشته باشند. آقایانی هم که شلوارک می‌پوشند و لباس‌های ناهنجار به تن دارند اجازه ورود به اماکن پلیس را ندارند. از نیروی انتظامی بابت پیش‌قدم شدن در اجرایی‌شدن قانون حجاب و عفاف در جامعه تشکر می‌کنیم. انتظار داریم سایر دستگاه‌های دولتی هم پای کار بیایند.

نواب

*دموکراسی آمریکایی بین خودشان با دلار خرید و فروش می‌شود (وعده ۵۰۰۰ دلاری ترامپ احمق به کسانی که به جمهوری‌خواهان رأی دهند)؛ برای دیگر ملت‌ها با جنگ، بمب و تروریسم صادر می‌شود!

خلیلی

*چرا برخی از روزنامه‌های زنجیره‌ای که به قول قائد شهیدمان به پایگاه دشمن تبدیل شده‌اند از طرح تورم صفر درصدی شهردار محترم تهران برآشفته شده‌اند! در صورتی که اگر دغدغه مردم را دارند باید از دولتمردان بخواهند که به تبعیت از طرح شهرداری تهران پای کار بیایند نه اینکه در مسیر اجرای آن سنگ‌اندازی کنند!

علیمردانی

*جذب نخبگان دارای اصولی است که قطعاً متولیان امر از آن آگاهند. در ضمن دولت برای جذب نخبگان داخلی که بسیاری از آن‌ها شغل و کار مناسبی ندارند، چه اقدام مؤثری کرده است که امروز نوبت به جذب نخبگان بی‌هویتی که به نظام پشت کرده و به دامن دشمن ملت پناه برده و دشمن را تشویق بمباران کشور می‌کند رسیده است؟!

قطب‌زاده

*ادامه استعفاها و زلزله در دولت ترامپ به اف‌بی‌آی رسید. اندرو بیلی معاون پلیس فدرال آمریکا، پس از یک دوره کوتاه و پرآشوب تصدی وظایف به‌عنوان مدیر شماره۲ این نهاد آمریکایی استعفا داد. جالب این‌که تاکنون دلیل استعفای وی رسانه‌ای نشده است.

اعصاری

*آقای ظریف گفته است: «یکی از اصول طلایی هدایت سیاست خارجی این است که یک کشور نباید تمام تخم‌مرغ‌های خود را در سبد یک قدرت بگذارد؛ چرا که چنین رویکردی به سرعت آزادی عمل کشور را فرسوده کرده و توان چانه‌زنی ملی را در محاسبات شرکای راهبردی کاهش می‌دهد.» این صحبت‌های آقای ظریفی است، که حل تمام مشکلات کشور را به رابطه با آمریکا گره زده بود! حالا که کشور به سمت تعامل صحیح با شرق پیش می‌رود، به مسئولان توصیه می‌کند که همه تخم‌مرغ‌ها را در سبد شرق نگذارند!! یک بام و دو هوای ایشان تمامی ندارد.

نیک‌نام

*سفارت ایران در سئول اعلام کرد: ۲ تن از ورزشکاران ایرانی، پس از تحمل ۱۶ ماه مراحل قضائی، با رأی دادگاه عالی کره‌جنوبی بی‌گناه شناخته شدند و سئول را به مقصد تهران ترک کردند. حل این مسئله می‌تواند از نمایش اقتدار ایران و استفاده از سلاح تنگه هرمز نیز باشد و... حالا اصلاح‌طلبان غرب‌گرا بروند و التماس آمریکا را بکنند و نتیجه هم نگیرند.

جاجرمی

*تعداد نظامیان آمریکایی در ایران در سال ۱۹۷۸ یعنی سال ۱۳۵۷، را ۵۸ هزار نفر ذکر کرده‌اند. رئیس اداره پنجم ستاد کل ارتش شاهنشاهی ملعون می‌گوید در سال ۱۳۵۶ کل حقوق ماهانه پرسنل ارتش ایران برابر ۱۴ میلیارد تومان بود در حالی‌که مستشاران نظامی آمریکا ماهانه ۱۷ میلیارد تومان دریافتی داشتند! قابل توجه ربع پهلوی‌چی‌های خائن.

تورجی